

نقش سیزدهم

بسمه تعالی
در تاریخ انقلاب اسلامی ایران روزهای فراموش نشدنی، فراوان وجود دارد، یکی از این روزها ۱۳ آبان است که تلاقی و برخورد ۳ نقطه عطف در مراحل مختلف انقلاب اسلامی ایران است روز ۱۳ آبان را بحق باید روز مبارزه جهت استقلال فکری و رهائی از فرهنگ بیگانه دانست. در مهرماه ۱۳۴۱ مجلس لایحه انجمنهای ایالتی و ولایتی را تصویب کرد، که در آن شرط مسلمان بودن از شرایط کاندیداها حذف گردیده بود. و نمایندگان موظف بودند بجای سوگند به «قرآن کریم» به «کتاب آسمانی» سوگند بخورند.

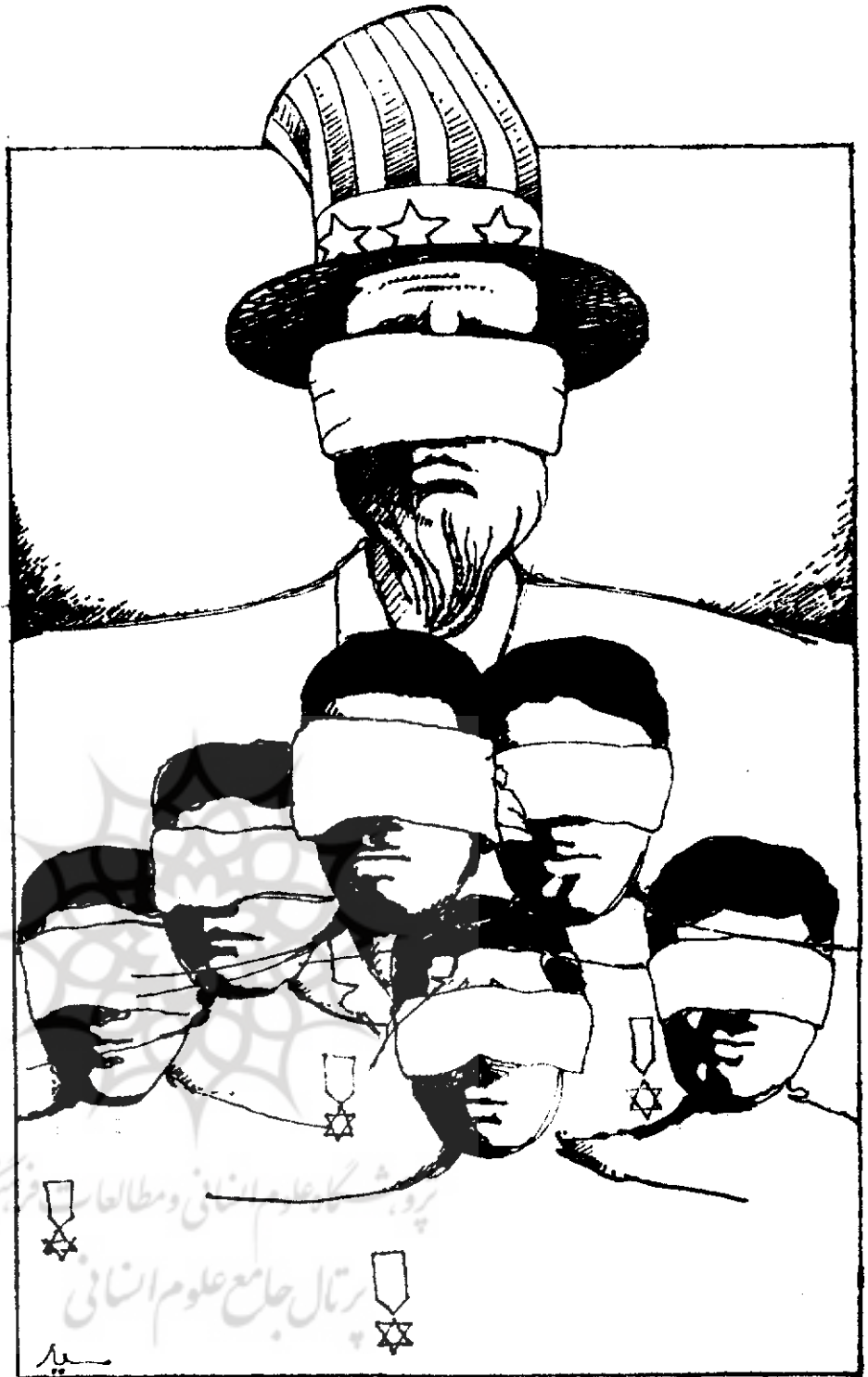
با این لایحه اولین قدم برای جدا کردن مردم از فرهنگ اسلامی برداشته شد، که بلافاصله با عکس العمل شدید روحانیت و مردم به رهبری امام خمینی روبرو گردید.

امام آنروز در سخنرانی پرشوری فرمودند: «علمای اسلامند و قرآن کریم، علمای اسلامند و احادیث نبوی، علمای اسلامند و احادیث ائمه اسلام، هرچه موافق دین و قوانین اسلام باشد ما با کمال تواضع گردن می‌نیمیم و هرچه مخالف دین و قرآن باشد ما با آن مخالفیم».

رژیم که تصور این چنین مقاومتی را نمیکرد، مجبور به پس گرفتن لایحه در آذرماه همان سال شد. و بقول امام: «دولت متوجه شد که نمی‌شود با قوای مردم مقابله کرد».

رژیم شاه جلاذ که متوجه شده بود مردم تنها به پیروی از روحانیت متعهد و مسئول است که به مخالفت با آنان میپردازند، تصمیم به سرکوب روحانیت می‌گیرد و در پی این تصمیم در روز شهادت امام جعفر صادق (ع) (فروردین ۴۲) به مهمترین کانون روحانیت اسلام یعنی مدرسه فیضیه قم این پایگاه خون و قیام، یورش برده، بسیاری از روحانیون را به شهادت می‌رسانند و قرآن‌ها را پاره می‌کنند در عصر همانروز پس از کشتار وحشیانه توسط مزدوران رژیم، امام امت طی سخنانی فرمودند: «دستگاه جبار با دست زدن به این فاجعه شکست و نابودی خود را حتمی ساخت، ما پیروز شدیم ما از خدا می‌خواستیم که این دستگاه ماهیت خود را بروز دهد و خود را رسوا کند».

و امام در ۱۳ خرداد نیز علیرغم مخالفت دولت، همدستی رژیم را با غاصبان صهیونیستی افشا می‌کند: «اسرائیل نمی‌خواهد در این مملکت قرآن باشد، اسرائیل نمی‌خواهد در این مملکت علماء اسلام باشند، اسرائیل نمی‌خواهد در این مملکت



بسیار عزیزان را تبارها فرمودند: «همی می‌گویند که اسرائیل است و آنوقت که فراتر از آن بودیم چه بودیم منزوی و از انسانان با هم‌گرا قطع است و نوکران اسرائیل هستیم. پس هستیم مستقل هم هستیم».

آبان در تاریخ انقلاب اسلامی ایران

۱۳ آبان ۵۷ نقش بسیار مهمی در پیروزی مرحله اول انقلاب اسلامی داشت.

بعد از پیروزی اولین مرحله انقلاب اسلامی با اینکه مردم، رژیم استبداد را سرنگون کرده بودند ولی هنوز آثار فرهنگ منحط غربی برگوشه و کنار جامعه دیده می‌شد. در شرایطی که امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی با فریاد خشم آلودش آمریکا را دشمن اصلی خلفای مسلمان و مستضعف معرفی می‌کند، «آمریکا ام الفساد قرن است هرچه فریاد دارید برسر آن بکشید.» اداره و حکومت انقلاب بدست جریانی افتاد که نه تنها خواستار مقابله و برخورد با آمریکا نبود، بلکه حتی سعی در کاهش جو ضدامپریالیستی نیز داشت. و در دنباله تفکرات خود حتی با سران دولت آمریکا نیز ملاقات کرد، بی دلیل نیست که کارتر در زمان دولت موقت می‌گوید:

«برای آمریکا مسئله شناسایی رژیم جدید مطرح نیست چرا که روابط دیپلماتیک ایران و ایالات متحده هرگز قطع نشده و ما با شخصیت‌های با نفوذ کشور در تماس بوده‌ایم، برخی از این اشخاص در آخرین لحظات مخصوصاً با حفاظت از اتباع آمریکائی نقش بسیار سودمندی ایفا کرده‌اند.» لازم به تذکر است که منظور از افراد «با نفوذ» اشخاصی بغیر از مدنی، نژیه، مراغه‌ای، بنی صدر، امیر انتظام... نیست.

و در نتیجه در نسل جوان آرام آرام این احساس پیدا شد که گویا از پشت پرده آمریکا می‌خواهد مجدداً وارد شود. می‌دید که خط تحمیل شده پراقتلاب از عناصر غریزه و وابسته به جریان آمریکائی حمایت می‌کند. از سیستم اداری کشور (سیستم متمایل به غرب) دفاع میکرد. در حالی که مردم می‌خواستند این سیستم را متلاشی کنند. در روز ۱۳ آبان ۵۸ در حالی که مردم برای گرامیداشت سالگرد روز دانش آموز جمع شده بودند، پیام امام امت به این مناسبت قرائت شد که در آن آمده بود: «بردانش آموزان و دانشگاهیان و محصلین علوم دینی است که با قدرت تمام حملات خود را علیه آمریکا و اسرائیل گسترش داده تا آمریکا را وادار به استرداد شاه مخلوع جنایتکار نمایند.»

در همانروز حدود ۴۰۰ تن از دانشجویان مسلمان پیرو خط امام با مشاهده حرکت گام به گام به لطفاً ورق بزنید

درآوردن این مصوبات نبود، بنابراین درصدد تبعید امام افتاد تا بلکه بتواند دور از فریادهای اعتراض آمیز روحانیت دروازه‌های ایران را برای ورود فرهنگ غربی باز نگاهدارد.

اعتراض امام خمینی درسالهای ۴۲-۴۳ برعلیه سلطه فرهنگی بیگانگان برکشور، انگیزه‌ای شد جهت قیام و انقلابی اسلامی که تمامی اقشار مردم درآن شرکت داشته و خواهان استقلال فرهنگی... و حکومت اسلامی بودند. دانش آموزان و دانشگاهیان قشری از این مردم بودند که رنج و طعم تلخ تمدن و فرهنگ غربی را چشیده بودند و در مراکز تعلیم و تربیت جامعه خویش، شاهد رشد فساد غربی بودند. با به تعطیل کشیدن مدارس و دانشگاه اعتراض خود را

احکام اسلام باشد، دولت ایران به تبع از اغراض و نقشه‌های اسرائیل به ما اهانت کرده و می‌کند.» سخنرانی امام سبب گردید تا خود به زندان رژیم گرفتار شوند (که این حبس تا فروردین ماه ۴۳ ادامه یافت) و بدنبالش حوادث ۱۵ خرداد اتفاق افتاد...

رژیم شاه برای گسترش نفوذ و سلطه آمریکائیان در ایران، این بار لایحه کاپیتالاسیون را به مجلس میبرد. برطبق این لایحه اتباع، آمریکائی ساکن ایران، مصونیت قضائی پیدا می‌کردند. یاردیگر امام امت برعلیه این لایحه صحبت کرده گفتند: «قانونی به مجلس بردند که درآن مستشاران نظامی آمریکائی با خانواده‌هایشان، یا کارمندان اداریشان با خدمه‌شان و با هرکس که به آنها بستگی دارند، از هر جنایتی که در ایران بکنند مصون هستند، اگر یک آشیز آمریکائی مرجع تقلید شما را در وسط بازار ترور کند، پلیس ایران حق ندارد

افشای خط سازش با غرب یکی از دست آوردهای اشغال لانه جاسوسی بود، این عمل محک و معیاری شد برای شناختن اصالت جریانات و انحراف خطوط داخلی و خارجی.

علیه سلطه شوم فرهنگ غربی نشان دادند تا از آن سنگری برای مبارزه جهت استقلال فکری بسازند. بدین منظور بود که در روز ۱۳ آبان ۱۳۵۷، دانش آموزان در دانشگاه تهران به تظاهرات پرداختند. جلال‌شاه جنایتکار فرمان دولت شریف امامی (این فراماسیون وطن فروش) برای دفاع از فرهنگ منحط غربی (که خود از دست پرورده‌های آن بود) به سوی دانش‌آموزانی حمله بردند که هیچ چیزی جز اجرای فرمان امام نمی‌خواستند که فرموده بود: «سعی کنید در دانشگاه پرچم اسلام را بالا ببرید.» و در نتیجه در حدود ۶۵ نفر از دانش آموزان در راه کسب استقلال فرهنگی... به شهادت رسیدند. همانشب گزارش از کشتار دانشگاه از تلویزیون پخش گردید توطئه رژیم این بود که می‌خواست مردم را به انتقام‌جویی وادارد تا به جهان نشان دهد که اینها مشتکی خرابکارند و باید آنها را از بین برد. فردای آنروز عده‌ای از مأمورین ساواک در خیابانها ریخته و همه چیز را به آتش کشیدند و این مجوزی شد برای سرکار آمدن دولت نظامی اژداری، هرچند که این مکر رژیم جلال‌شاه نیز به خودش برگشت و مردم بر مقاومت و پایداری خود افزودند. و از این راه

جلوی او را بگیرد.» امام که بخوبی می‌دانستند این لایحه باعث قطع نفوذ روحانیت و در نتیجه اسلام در جامعه می‌گردد و فرهنگ آمریکائی را برامت اسلام تحمیل می‌کند، به شدت با آن مخالفت کردند و در سخنرانی فرمودند:

«استقلال ما را بفروشدند و ما ساکت باشیم، اینها دیدند که با نفوذ روحانی نمی‌توانند همکاری را انجام دهند می‌خواهند نفوذ روحانی را از بین ببرند، اگر نفوذ روحانیون باشد نمی‌گذارد این ملت یک روز اسیر انگلیس و روز دیگر اسیر آمریکا باشد، اگر نفوذ روحانیون باشد نمی‌گذارد یک دست نشاندۀ آمریکائی این غلطها را بکند، از ایران بیرونش می‌کنند، شما می‌دانید که با نفوذ روحانی نمی‌توانید همکاری را انجام دهید می‌خواهید نفوذ روحانی را از بین ببرید.»

دستگاه جبار پهلوی که در جهت اجرای نیت پلید خود به ممانعی سازش ناپذیر برخورد کرده بود. از طرفی فشار آمریکا بر رژیم، دولت را مجبور به تصویب و اجرای لایحه می‌کرد و از طرف دیگر با وجود روحانیت برهبری امام خمینی قادر به اجرا

کام و همراه با سازش دولت موقت تصمیم گرفتند تا سفارت آمریکا در تهران را که عملاً لانه‌ای برای جاسوسی در ایران و منطقه بود، از تصرف جاسوسان آمریکائی خارج سازند.

این دانشجویان با درک صحیح از خط امام متوجه شدند که منشاء تمامی حرکات علیه انقلاب اسلامی و هماهنگ کننده تمامی جریانات ضد انقلاب لانه جاسوسی است و بعداً اسناد و اوراق بدست آمده از لانه جاسوسی نشان داد که این عمل، درک صحیح از ماهیت امپریالیسم آمریکا بوده است. بقول امام: «اینها اصلش یک افرادی نبودند که راجع به یک سفارتخانه متعارف باشند اینها مرکز توطئه‌ای بودند که در همه شئون کشور ما بلکه منطقه دخالت میکردند.»

اشغال لانه جاسوسی را باید بحق تجلی قهر و نفرت الهی ملت مسلمان نسبت به شیطان بزرگ دانست. هرچند اساتید حوزه علمیه در پیام خود به دانشجویان متذکر شدند که:

«شما سفارت را اشغال نکرده‌اید. بلکه از اشغالگران پس گرفته‌اید.»

انگیزه‌های تسخیر لانه جاسوسی

در اینجا لازم است مختصری به انگیزه‌های تسخیر لانه جاسوسی اشاره کنیم:

۱- از آنجا که اسلام یک مکتب ضد استکباری و ضد استعماری است و با هرگونه سلطه حوثی، خوی امپریالیستی که از سوی غرب اعمال می‌شود مخالفت می‌کند، و اصولاً اسلام نمی‌تواند موافق برنامه‌های توسعه طلبانه و سلطه جویانه آنان باشد، دانشجویان مسلمان بیرو خط امام نیز با تبعیت از اهداف عالی اسلام و برای جلوگیری از سلطه و دخالت آمریکا در ایران دست به تسخیر لانه جاسوسی زدند.

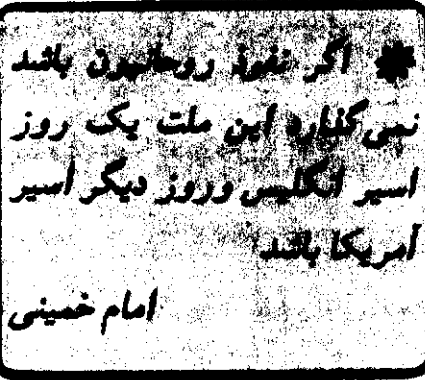
۲- اعتراض به جنایات آمریکا در ایران و بنای دادن به شاه مخلوع که قاتل دهها هزار زن و مرد بخون خفته در این مملکت بود.

۳- اعتراض به آمریکا بعلت ایجاد فشار تبلیغاتی مسموم و کمک و حمایت از افراد ضد انقلابی فراری بر علیه انقلاب اسلامی.

۴- اعتراض به توطئه‌ها و دسیسه‌های ناجوانمردانه آمریکا در مناطق مختلف کشور.

۵- برای اعتراض و جلوگیری از مداخلات آمریکا در جریانات داخلی که عمده‌ها در شکل اعتصابات و تحصن‌های گروه‌های مخالف تجلی میکرد.

۶- در پی از دست دادن جهت اصلی انقلاب و کشیده شدن به راه‌های فرعی و انحرافی که آمریکا ایجاد کرده بود (و آن چیزی جز سیاست گام به گام و رفرمیستی نبوده)، برای مقابله با این جریان انحرافی و انداختن انقلاب در کانال اصلی خود که از طرف آمریکا به راه‌های انحرافی و فرعی کشانده



پیرو خط امام را انحراف از خط امام می‌دانست (همان خطی که خود در صدد نابودی آن بود) و می‌گفت: «کار آنها به سود انقلاب نبوده است و حرکات اخیر آنها انحراف از خط امام بوده و کاری به سود مبارزه علیه آمریکا انجام نداده‌اند.»
حتما ایشان برای تکمیل مبارزه با آمریکا قصد داشتند جماران را بمباران کنند!

ولی علیرغم این هیاهو، مردم به رهبری جامعه روحانیت، مخصوصاً امام از این عمل پشتیبانی نمودند. امام امت این گونه ارزش عمل دانشجویان را بیان می‌کنند که: «ارزش این عمل در عالم به این است که شما یک بتی را که درست کرده بودند اینها (بت بزرگی که همه ممالک را گرفته بود) شکستید.»

برادر حجت الاسلام هاشمی نیز در تأیید این عمل گفتند: «بهترین شیوه برخورد با امپریالیسم آمریکا همان کار دانشجویان مسلمان پیرو خط امام است یعنی گلوی آمریکا را چنان بفشاریم که حق ما را مجبور شود بپردازد. حوزه علمیه قم نیز این عمل را این شکل توصیف کردند: «این صدای رعد آسای ملت علیه آمریکا است این فریاد ضد امپریالیستی خلق ایران است، این خط سیاسی مبارزات اسلامی ملت ایران است، خطی که امام راهنمای او است.»
جالب این جا است که مخالفین این خط و جریان همگی در اواخر حکومت بنی صدر متحد شده و در برابر انقلاب ایستادند. (بریدون لیظنوا نورا... و...) منم نوره) و تضادهای داخلی و خارجی خود را یکباره فراموش کردند.

دست آوردها و پی آمدهای اشغال لانه جاسوسی:

۱- مردم را از بی تفاوتی بدر آورد و مجددا وارد صحنه ساخت.

۲- ضربه به نیروهای ضد انقلاب و عمدتاً نیروهای چپ که در رویارویی با آمریکا بریده بودند.

۳- گسترش مبارزه ضد آمریکائی، و عمق بخشیدن به بعد مبارزه با آمریکا در منطقه (حرکت تظاهرات در برابر سفارت آمریکا در پاکستان، لیبی و تظاهرات در ترکیه، قیام مسلمانان شبه جزیره عربستان و...)

۴- عرضه مکتب در سطح جهانی، با این عمل پیام انقلاب و اسلام بگوش مردم مستضعف دنیا رسید و گام مؤثری در صدور انقلاب برداشته شد.

۵- اسطوره شکست نابذیری بت بزرگ، که بوسیله منادیان فرهنگ غرب اشاعه یافته بود، در هم ریخت. این عمل واقعیت چهره آمریکا را از پس پرده تبلیغات بیرون کشید و برای مقابله با قدرتهای بوشالی جهان به مردم اعتماد به نفس بخشید، امام امت در این باره می‌فرماید:

بقیه در صفحه ۷۶

شده بود.
بدین ترتیب آمریکا در حالی که از اولین ضربه ناشی از انقلاب اسلامی هنوز در حالت گیجی به سر میرسد، امام امت فرمودند: «باید بدانند که در ایران انقلاب است، انقلابی بزرگتر از انقلاب اول.»

عکس العمل‌های متضاد

این عمل انقلابی دانشجویان (که بقول امام «ملت را سرفراز کردند») با عکس العمل‌های گوناگونی مواجه شد. البته همانطور که امام نیز فرمودند: «آنها که آمریکائی نبودند حمایت کردند و آنها که آمریکائی بودند حمایت نکردند.»

گروه‌های چپ و چپ‌نما که شعار مبارزه ضد امپریالیسم را گوش فلک را کر کرده بودند در ابتدا به مخالفت با این عمل دست زدند و با تحلیلهای علمی خود مضرات این عمل را برشمرند، هر چند که با مشاهده موضع گیری صریح امام و مردم بالاخره به طرفداری از این عمل بلند شدند.

طیف ملی گرایان نیز به مخالفت با این عمل دانما موضع گیری می‌کردند طیفی از لیبرالها به رهبری نهضت آزادی برای جلوگیری از آتش شدن ارتباط خود با آمریکا دست به مخالفت با دانشجویان مسلمان پیرو خط امام زدند. و طیفی دیگر به سر دشنگی بنی صدر (به امید جانشینی دولت موقت) ابتدا از آن استقبال کردند ولی بنی صدر خائن بعد از رسیدن به ریاست جمهوری با عتوانهای: تعدد مراکز قدرت، روشهای متوسل به زور... به مخالفت با این جریان در خط امام برخاسته و می‌گفت: «به حکومت‌های خودکامه در ایران پایان می‌دهم، مملکت را با چند دولت نمی‌توان اداره کرد.»

بنی صدر مرتب شعار انزوای ایران را مطرح کرده می‌گفت: «با گرفتن گروگانها، گروگان آمریکا شدیم.»

امام نیز این گونه تبلیغات مسموم را خنثی کرد و فرمودند: «هی می‌گویند ما در انزوا هستیم، انوقت که در انزوا نبودیم، چه بودیم؟ منزوی هستیم یعنی ارتباطمان با دیگران قطع است، و نوکر دیگران هستیم، حالا که منزوی هستیم مستقل هم هستیم.»
قطب زاده معدوم نیز، اقدام دانشجویان مسلمان

نقش سیزدهم ...

«ما دیدیم که جوانهای ما بواسطه آن همه ناراحتی هائی که ملت ما از این قدرت فاسد کشیده بود عکس العمل نشان دادند و رفتند و اعضای آنجا را گرفتند و هیچ آسمان به زمین نیامد، ویژگی این عمل این بود که این قدرت آمریکا و این ارعابی که کرده بودند از بین رفت.»

عکس قطع رابطه با آمریکا، امام به این مناسبت فرمودند: «ما این قطع رابطه را به فال نیک می گیریم چون که این قطع رابطه دلیلی بر قطع امید دولت آمریکا از ایران است، ما رابطه با آمریکا را می خواهیم چه کنیم؟ رابطه ما با آمریکا رابطه گرگ و بره است» ولی با این حال افرادی چون بنی صدر می گفتند: «ما نمی خواهیم با آمریکا قطع رابطه کنیم.»

۷- شکسته شدن حیثیت سیاسی آمریکا در جهان و مخصوصاً در منطقه.

۸- بخطر افتادن منابع اقتصادی و... آمریکا در منطقه.

۹- افشای ماهیت جنایتکار و مداخله گر آمریکا در ایران توسط اسناد و مدارک مکشوفه از لانه جاسوسی و از طریق تشکیل کنفرانس بررسی مداخلات آمریکا در ایران بدستور امام خمینی.

۱۰- گردهمائی و معرفی نهضت‌های آزادیبخش در سراسر جهان.

۱۱- انزوای گروه‌های ضد انقلاب چه آنها توان

براستی که ملاقات برژنسکی از سوی شخصی که چنین می گوید: «انقلاب پایان یافته و کارمن محدود به تحویل گرفتن قدرت، بازسازی تدریجی و آرام است» هیچ بعید نیست و در حالی که افرادی چون بنی صدر خائن می گفتند: «ما قصد قطع رابطه با آمریکا را نداریم» امام فریاد می زدند: «رابطه بین یک ملت بیاخته برای رهایی خود از جنگال چپاولگران بین‌المللی با یک چپاولگر عالم خوار همشبه به ضرر ملت مظلوم و به نفع چپاولگر است... الهی که این رابطه قطع شود.»

امام بعد از تماس سران نهضت آزادی با برژنسکی می فرمایند: «این را ما به کجا ببریم که برخی از اهالی مملکت حالا که آمریکا را ملت شکست داده است باز روابط با آمریکا دارند.»

در اینجا قسمتی از اسناد مربوط به این روابط را می آوریم:

در کتاب ۳ افشاگرهای دانشجویان مسلمان پیرو خط امام از قول کاردار آمریکا چنین می خوانیم:

«ما می خواهیم برای ایران کار بکنیم که مبنای رو باشد و ناسونالیستهای مخالف مذهب تسلط بیشتری در اداره مملکت داشته باشند.»

هم چنین: «اگر هر گروه مبنای رو متمایل به غربی که به مبارزه علیه ملاحا برخیزد، در مورد او به عنوان یک گروه مترقی یا علاقه تمام تبلیغ خواهیم کرد.»

می بینیم که آمریکا برای حفظ منافعی در

«این صدای رعد آسای ملت علیه آمریکا است این فریاد ضد امپریالیستی خلق ایران است. این خط سیاسی مبارزات اسلامی ملت ایران است، خطی که امام راهنمای اوست.»

همگامی با حرکت سریع امت انقلاب ایران را نداشتند.

۱۲- طرح مجدد امام به منابه تنها خط واقعی انقلاب و اسلام.

۱۳- افشای خط ارتباط با غرب، این عمل محک و معیاری شد برای شناختن اصالت جریانات و خطوط داخلی و خارجی، چه از طریق ضربه به جریان غریزه در داخل و شناسائی دوستان و دشمنان انقلاب اسلامی در خارج.

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام طی سامی به امام علت این اقدام را این طور عنوان می کنند:

«آخر چگونه می توانیم تحمل کنیم در شرائطی که تو با فریاد خشم اودت آمریکا را بعنوان دشمن اصلی خلقهای مسلمان و مستضعف معرفی می کنی مسئولین دولتی با گرگهای آمریکائی بر سر یک میز بنشینند، هر چند که این اقدام از دولت مردان معتقد به سیاست گام به گام در ادامه منطق و عملکرد هشت ماهه آنها بسیار طبیعی می نمود، عملکردی که به دولت اجازه می دهد که با قاتلین شهیدای تازه به خاک و خون غلنیدمان بر سر یک میز بنشینند.»

موقت تشخیص می دهند:

«در حال حاضر بهترین راه تأمین منافع آمریکا از طریق همکاری با دولت موقت جهت برقراری مجدد رابطه دو کشور بین ایران و آمریکا خواهد بود»

جلد ۶ کتاب افشاگر و از طرفی از جهت انزجار مردم ایران از آمریکا می باشند:

«نکنه اساسی در مرکز باید به آن توجه کند این است که باید ضمن حفظ اطمینان آنها نسبت به این موضوع که آمریکا می خواهد انقلاب ایران را نابود کند کاهش داد» ۶۰/۸/۷۳

برای این که به سراغ امیر انتظام می روند: «کاردار آمریکا از است که بوسیله انتظام کاری کند که روزی در حمله‌اش را نسبت به آمریکا کاهش دهند» ۶۰/۸/۷۳

بی شک آمریکا در انتخاب خود اشتباه نکرده است، اینان حتی از تصور ایران مستقل و بدون اتکا به غرب عاجزند:

«ما حس می کنیم که هم یزدی و هم بازرگان بطور روز افزونی به لزوم اقدام در جهت تفاهیم بیشتر با ما می رده‌اند» کتاب ۷ افشاگری

«انتظام: نهضت آزادی مایل است که با یک هیات آمریکائی برای مذاکره در باره منافع آمریکا در ایران و تلاش برای اجتناب از درگیری بین آمریکا و جنبش اسلامی ملاقات کند» ۵۸/۱۱/۱۷

«مدنی را به بهترین وجه می توان این طور تعریف کرد که او یک ایرانی است که می تواند این را بفهمد که آینده ایران به غرب اتصال دارد» ۵۸/۱۱/۳

از روی این عقاید است که آقای بازرگان و یزدی رهبران این جریان فکری در الجزایر با برژنسکی ملاقات می کنند، با کسی که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی گفته بود:

«تجدید حیات اسلام در خاور مبنای بسیار خطرناک است»

بعلاوه از داخل اسناد لانه جاسوسی اسناد افرادی چون مدنی، مقدم مراغه‌ای، تکمیل همایون، فرقان، یزدی، بنی صدر... نیز افشاء شدند.

بهر حال روشن شد که آمریکا چه خطی را برای اجرای نیات خود در ایران، استخدام کرده است. لازم به یادآوری نیست که ابرقدرتها همیشه از نفوذ و قدرت اسلام و روحانیت با اطلاع بوده‌اند از اینرو خود آنان نیز رابطه‌شان را با روحانیت، شکافی پر نشدنی می دانند:

«راه حل سریع برای پر کردن شکاف بین آمریکائیه‌ها و روحانیت شیعه وجود ندارد»

و یا: کتاب ۵ افشاگری

«از زمانی که شیعه اسلامی به عنوان مذهب رسمی برقرار شد، علمای شیعه با هر سلطنتی مخالفت کرده‌اند» در پایان باید یادآور شد که سمت گیری کنونی و جهت سازی ناپذیری انقلاب اسلامی و در مسیر اصلی قرار گرفتن انقلاب تماماً ناشی از حرکت اشغال لانه جاسوسی است.